



ایرانی‌ها برای هفتمین ماه متوالی در صدر خرید خانه در ترکیه

ایرانی‌ها:

الان قیمت ویلا لب ساحل آنتالیا از ۵۰ متری توی میدون شوش کمتر در میاد

املاکی ترکیه:

پنج تومن بیشتر نذاری روش، یه ایرانی پاش خوابیده

[شهاب نویی]

سنگ مفت، حرف مفت!

کفت وکوی تمدن‌ها با شارژ
هزار تومانی



شهرام شهیدی
... طنزنویس

فردا روز گفت‌وگوی تمدن‌هاست. روزی مهم‌تر از تاریخ معاصر کشور روزی که به پیشنهاد جناب بیب که در این کشور عهده‌دار مقام بیب بود، در سازمان ملل ارایه و تصویب شد. خطوط تلفن را باز می‌گذاریم و منتظر تماس شما شهروندان عزیز هستیم.

سلام. همین که نمی‌توانید اسم جناب بیب را ببرید، نشان می‌دهد در امر گفت‌وگوی تمدن‌ها مرزهای توانستن را جابه‌جا کرده‌ایم. به قول رئیس سابق دولت، «امی تو انیم» و من به آن اضافه می‌کنم به شرطی که بگذارند، پانته آبتری هستم از اصلاح‌یاد غرب.

درد بر شما، بنده امیر محمود پاکدشت‌نژاد هستم. مسئول سابق و مدعی فعلی. بنده معتقدم گفت‌وگوی تمدن‌ها بسیار پیشنهاد پسندیده‌ای بوده و ما اگر تمدنی در جهان پیدا کنیم، حتماً موظفیم با آن تمدن گفت‌وگو داشته باشیم و اگر تا امروز با کسی گفت‌وگو نکرده‌ایم، چون آنها را تمدن نمی‌دانیم، اتفاقاً آنها تمدن‌کن نیستند هیچ، خیلی هم بی‌تمدن‌وی نژاکت هستند.

سام علیک. هیبت‌الله هستم از نوادگان شعبون خان. تماس گرفتم بگم شما هم مثل این شوهرخواهر نژد ما می‌تمدن تمدن بار ما می‌کنی. آخه قریون تیپ ورزشی‌ات بشم. ادعای تمدن ۲۵۰۰ ساله برای شما جوریه که انگار وقتی از درد اعتیاد به خودت می‌پیچی و توسط زبانه دنبال یک لقمه غذا می‌گردی، به رفیق همراهت بگی فلانی من دبستان که می‌رفتم گلستان سعدی می‌خوندم، نفعه‌الان چی داری. اون رانی‌شانم بده.

سیما بهزادی هستم، دبیر آنلاین تاریخ. چون سیستم نت قطع بود و منتظرم آنتن برگردم تا سر کلاس برگردم، گفتم در مورد بحث شما نظر بدم. این درسته که تاریخ ایران زیادی دستکاری شده، اما چیزی که مهم است و باید به آن توجه کرد این است که داشتن تمدن با تمدن بودن فرق می‌کند. ااا گویا صدام داره فیلتر می‌شه الو... الو...

اردشیر هستم. دراز دست. فقط تماس گرفتم بگم اول با ما که در تاریخ این کشور نقش داشتیم، گفت‌وگو کنید، اجنبی جماعت پیشکش تان. در ضمن بنده دولت داشتم، دراز دست هم بودم، اما دست‌داری به بیت‌المال نکردم. این راه جهت تنویر افکار عمومی بیان کردم.

قدرت هستم مخلص همگی. من به عنوان کسی که همیشه به تاریخ و تمدن این کشور احترام گذاشته‌ام، همین جا اعتراف می‌کنم برای ثبت علاقه‌مان به گفت‌وگوی تمدن‌ها با زغال روی تمام ستون‌های تخت جمشید نوشته‌ام «تمدن‌های پیاپیوندان مبارک» برای مراسم زیرزمینی با عاقد و سفره عقد و فیلمبرداری هم خودم در خدمت. عزت‌زاد.

فرستی هستم از سعادت‌آباد. برخلاف دوستان مخالف، من خیلی به گفت‌وگو علاقه دارم و گفت‌وگوی تمدن‌ها را هم راهگشا می‌دانم. پس اگر موافق هستید گفت‌وگو کنیم یک شارژ پنج‌هزار تومانی اپراتور تلفن برابرم بفرستید بیایدی.

درد. سلامت باشید. یک سوال مهم داشتم. چرا ورودی همه شهرها زده مهد تمدن کهن ایرانی؟ آخه شهری که در زمان پروژه مسکن مهر احداث شده چطور مهد تمدن ایرانی بوده؟ اولین گام برای گفت‌وگوی بین تمدن‌ها صداقت است.

لئونارد هست. از جاده ساحلی. خواست گفت لطفاً ما توریست‌ها را به زور نبرد به خانه. هی گفت یک سنجاب داشته که در مورد گفت‌وگوی تمدن‌ها حرف زد. جای سنجاب تو زیر زمین نبود. بفرستش جنگل بعد با هم گفت‌وگو کرد. □

معاون وزارت راه و شهرسازی: «بازار اجاره مسکن را سامان دادیم؛ حالا نوبت بازار خرید و فروش است.»

یه دو دقیقه سامان ندید یه نفسی بگیریم!

- ◀ مسکن: «در مورد من داری حرف می‌زنی؟!»
- ◀ وزارت اقتصاد: «هر چیزی که سامان نمی‌گیره رو بدید تو بورس عرضه کنیم!»
- ◀ معاون وزارت صمت: «ما هم بازار مرغ را سامان دادیم، مونده تخم مرغش!»
- ◀ مردم: «اگه میشه بعد ساماندهی اجاره، کارت ملی ما رو هم بدین!»
- ◀ آموزش و پرورش: «اجاره‌نشین‌ها صبح زود زنگ بززن وزارتخونه بینین بازار سامان گرفته یانه!»
- ◀ معاون وزارت ورزش: «ما هم ویلت‌موس رو سامان دادیم، فقط مونده پولش!»
- ◀ یک واژه‌شناس: «یا نمی‌دونید بازار چیه یا اجاره چیه یا مسکن یا سامان!؟»
- ◀ بازار خرید و فروش: «دست بهم بزنید جیغ می‌زنم!»
- ◀ خبرنگار لندن نشین: «و غرب همچنان در آتش بی سامانی!»
- ◀ پشت‌بام خواب: «این بالا سامان مون دادند یک.»
- ◀ بازار اجاره: «البته اینکه فصل جابه‌جایی تموم شد هم بی‌تأثیر نبود!»

#تورو-خدا-یکی-یکی-سامان-بدید-ما-طاقتش-رو-نداریم #شهرنگ

تماشاخانه



شهرنگ

پشت شمشادا

در کمیته اصلاح کتاب‌ها چه خبر است؟!

اصلاحات کتاب درسی دارد که به جاهای جالب‌تری می‌رسد. گویا در کتاب اجتماعی، جای عکس بازدید یک سری از دختران دانش‌آموز از موزه تاریخ طبیعی و تنوع زیستی، عکس یک ساختمان نیمه‌کاره گذاشتند. گزارشگران شهرنگ با نفوذ در یکی از جلسات اصلاحات کتاب‌های درسی توانستند به یک فایل صوتی دست پیدا کنند و ببینند چه صحبت‌هایی رد و بدل شده تا این اصلاحات شکل بگیرد. بخشی از فایل این صوتی به شرح زیر است (به دلیل محرمانه بودن جلسه، از آوردن اسم اشخاص معذوریم):

آقای ۱: دستور جلسه امروز چیه؟
آقای ۲: اصلاحات کتاب‌های درسی اجتماعی
آقای ۳: آگهی‌شده نتیجه بررسی هاتون رو بگین
آقای ۴: ما تمام کتاب‌ها رو بررسی کردیم، متأسفانه بیشتر از ۴ تا عکس زنده از دانش‌آموزان دختر توی کتاب هابود. با اقعاداریم به کجای می‌رسیم؟
آقای ۱: مگه دانش‌آموز دختر هم داریم هنوز؟
آقای ۳: متأسفانه بله.

آقای ۱: ای بابا! خوب بگیم از امسال ورود دانش‌آموز دختر ممنوعه!
آقای ۳: ما کمیته اصلاحات کتاب‌هاییم، تو حیطة اختیار مانیست.
آقای ۲: خوب اسم کمیته رو عوض کنیم، بگیم کمیته اصلاحات دانش‌آموزان، سریع هم ابلاغ می‌کنیم، چون از لحاظ روانشناسی و زیبایی‌شناسی دانش‌آموزان دختر خیلی شلوغ می‌کنن، دیگه نباید درس بخونن.
آقای ۱: آفرین موافقم!
آقای ۳: آقایون! آقایون!
آقایان ۲ و ۱: بله
آقای ۳: به نظرم این سطح از اصلاحات هم لازم نیست، قدم قدم بریم جلو، پیشنهاد شماباری اصلاح کدوم کتابه؟
آقای ۲: یکی بود خیلی برام عجیب بود، هم محیط زیست بود، هم دانش‌آموز دختر بود!
آقای ۱: مگه هنوز محیط زیست داریم؟
آقای ۳: متأسفانه بله، هنوز
آقای ۱: خوب بگیم از این به بعد محیط زیست حذف شه!
آقای ۳: نمی‌شه بابا! کمیته اصلاحات کتاب‌هاییم!

آقای ۱: هر دفعه او مدیم کار کنیم، دست و پال مون رو با این اسامی بستین!
آقای ۳: خوب حالا چه کار کنیم؟
آقای ۱: هیچی دیگه همون عکس رو حذف کنیم، حالا عکس چی بوده؟
آقای ۲: باز دید چندتا دانش‌آموز از موزه تاریخ طبیعی و تنوع زیستی.
آقای ۱: مگه هنوز دخترها از دیدیم می‌رن!
آقای ۳: پس کن تو هم دیگه اهی به حرف روتکرار می‌کنی!
آقای ۲: خوب جاش چی بناریم؟
آقای ۳: به ساختمون نیمه‌کاره بنار!
آقای ۲: یعنی چی؟
آقای ۳: ببین چند تا پیام داره! اول اینکه مادر حال ساختیم و چیزی نمی‌تونه جلوی قطار پیشرفت ما رو بگیره، دوم اینکه جایی که دانش‌آموز دختر ازش بازدید کرده رو باید خراب کرد و از اول ساخت، سوم اینکه محیط زیست خیلی خوبه به شرطی که توش ساختمون بسازیم.
آقای ۲ و ۱: احسن!
آقای ۱: خوب پس نفری به موز برداریم تا ختم جلسه رو اعلام کنم. □

شهاب‌پاک‌نگر